

# جغرافیای شهری و پست مدرنیسم

دکتر حسین حاتمی‌نژاد

عضو هیات علمی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران

هادی حکیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

## چکیده

پست مدرنیسم را فراتر از تجدید خواهی معنی کرده اند و فرزند خلف یا ناخلف مدرنیسم می باشد. دوران مدرنیسم که بر پایه عقل باوری بود جهانی فراتر از عقل را قبول نداشت تحت تأثیر فیلسوفانی نظیر هگل، کانت، رنه دکارت و قبل از اینها فرانسیس بیکن بود که باعث تحولات عمیقی در عرصه های مختلف زندگی بشری گردید و شاید تنها در این دوران بود که بشر به خود باوری محض رسید و خود را حاکم بر سرنوشت خویش دید اما مدرنیسم آن چنان که در ابتدا موفق به نظری می رسید در قرن بیستم بر بحرانهایی از قبیل جنگهای اول و دوم جهانی و بحرانهای نژادی، جنسیتی و زیست محیطی تأثیری داشت و این عوامل باعث شد تا فیلسوفان و اندیشمندان نیمه دوم قرن بیستم در عقل باوری و خود باوری محض تردید کنند و کسانی مثل کارل ریموند پوپر معتقدند که عقل باوری خود نیز باید مورد انتقاد قرار گیرد لذا دوره ای بنام پست مدرنیسم فرامی رسد که در حوزه های مختلف علمی و هنری تأثیرات عمیقی گذاشت در این مقاله سعی شده است به مفاهیم و تعاریف مدرنیسم و پست مدرنیسم در حد امکان پرداخته شود و تشابهات و تفاوت های بین آنها و تأثیری که هر دوره به حوزه های مختلف شهری اعم از کالبدی و غیر کالبدی داشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، پست مدرنیسم، جغرافیا، شهر

## مدرنیسم و پست مدرنیسم

مدرنیسم و مدرنیته را می توان تمامی دستاوردهای بشری از رنسانس به این سو دانست که بر پایه خردگرایی استوار بود که "رشد خرد باوری ابزاری به قول وبر قفس آهنینی ساخت که خرد باوری بروکراتیک بر پا کرده بود تا از درون آن راه گریزی باقی نماند" (احمدی، ۱۳۳۳: ۳۲).

جنبش مدرنیسم می خواست برای بشریت زندگی آرام پر از سعادت ابدی را به ارمان آورد و هر چند در زمینه های زیادی موفق بود ولی در عمل با بحرانهایی از قبیل بیکاری، افزایش فاصله طبقاتی، نژادپرستی، زیست محیطی و... مواجه شد و مورد نقد نژادان قرار گرفت چون "مدرنیته از شکل یک جریان فکری و فرهنگی نویدبخش و بستری برای ظهور اندیشه ها و تفکرات رهایی بخش در خدمت انسانها، به صورت یک نظام سیاسی - اجتماعی و یک فور ماسیون یا صورت بندی اقتصادی - فرهنگی درآمده است که راهکارها، کارکردها، مکانیسم و ابزارهای خاص خود را داراست و

به تعبیر بهتر در شکل جزمیت و دگمای "مدرنیسم" سر بر آورده است به طوری که پویایی، تحرک و دینامیسم درونی و بالقوه خود را از دست داده اند" (نوذری، ۱۳۷۸: ۷).

نقد مدرنیسم شاید بر پایه عقل باوری است اما نقد مدرنیته در حکم دشمنی و ضدیت با تمامی دستاوردهای روزگاری نیست می توان به زبان مسارتین هایدگر گفت که شهامت پرشش از این روزگار است " (احمدی، ۱۳۳۳: ۴).

نخستین منتقدان مدرنیسم معماران می باشند برای مثال در مورد معماری چارلز جنکس ختم نمادی تجدید و آغاز فراتجدد را در ساعت ۳ و ۳۲ دقیقه بعد از ظهر روز ۱۵ جولای سال ۱۹۷۲ اعلام کرده که مجموعه مسکونی پروت - ایگو در سنت لوئیز (که برنده جایزه شده بود و از تفکر لوکوربوزیه در مورد "ماشین برای زندگی جدید" پیروی کرده بود) به خاطر غیر قابل سکونت بودن آن برای طبقات کم درآمد با دینامیت منفجر شد" (بحرینی، ۱۳۷۸: ۸۵ و ۸۶).

"وی مدرنیسم را به دلیل تک ظرفیتی و تهی بودن از سطوح معنایی یا مفاهیم ماورای طبیعی مورد سرزنش قرار داده و به جای مدرنیسم ترکیبی از عناصر جدید و سنتی با مفاهیم هنر بومی و هنر متعالی در ساخت و سازهای شهری پیشنهاد می نماید" (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۲).

اما پست مدرنیسم چیست؟ پست مدرنیسم رابه معنای فرانتوگرایی، فراتر از تجدید خواهی دانسته اند "ظاهراً مفهوم پست - مدرنیسم را اولین بار نویسنده اسپانیایی فدریکو دی انیس به سال ۱۹۳۴ در اثرش به نام گزیده شعر اسپانیولی و هیسپانوا امریکایی به کار برد و از آن در تشریح واکنش نسبت به مدرنیسم که برخاسته از خود آن بوده، استفاده نمود سپس آرنولد توینبی در مطالعه ای در تاریخ که در سال ۱۹۳۸ نوشته شد و پس از جنگ در سال ۱۹۴۷ منتشر گشت، آنرا بکار برد جنکس، (۱۳۷۵: ۱۰).

"جالب ترین وجه تفکر اجتماعی پست مدرن به فرانسه باز می گردد، به جایی که قیام و شورشیای دانشجویی ۱۹۶۸ پاریس، شکست آن قیامها، و سالهای پراسیپ و فشارها و صدمات پس از آن دوران که روشنفکران فرانسوی پست سر گذاردند، جملگی به آن باز می گردد" (نوذری، ۱۳۸۰: ۳۷). "دوره پست مدرن زمان انتخابهای مداوم است. دوره ای که هیچ روش تثبیت شده را نمی توانی به خود آگاهی و کنایه دنبال کرد؛ زیرا به نظر می رسد

سرزمینها، اکتشافات جغرافیایی، تسلط انسان بر طبیعت و کنترل آن را از طریق بکارگیری علم و تکنولوژی سبب می‌شود و تخریب محیط زیست جهان را شدت می‌بخشد (شکویی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۰: ۶۳).

در مطالعات جغرافیایی، عصر فوردیسم (تولید انبوه) به عنوان عصر مدرنیسم (نوگرایی) و عصر فرافوردیسم (انباشت انعطاف‌پذیر سرمایه) به عنوان پست مدرنیسم (فرانوگرایی) شناخته شد (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

اما پست مدرنیسم (فرانوگرایی)، حساسیت جغرافیدانان را نسبت به درهم تنیدگی سیاست، فرهنگ و اقتصاد بیشتر کرد. روی فرهنگ به ویژه روابط بین فرهنگ معاصر غرب و فرهنگهای غیر غربی تأکید داشت و یک نوع بازنمایی قومی را در جغرافیا سبب گردید (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۳۸ و ۱۳۹). "هاروی و سایر جغرافیدانان رادیکال معتقدند که در منطق انباشت و گردش سرمایه، فرهنگ از طریق سرمایه تولید می‌شود و در نهایت هم فرهنگ و هم اقتصاد از طریق سرمایه به حرکت درمی‌آیند" (شعاعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

در جغرافیای پست مدرنیستی، تبیین تفسیری (هرمنوتیکی) در تقابل با اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) اعتبار می‌یابد (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

فضای پست مدرنیستی، تغییرات در حوزه‌های شهری، به ویژه در امر برنامه ریزی شهری و توسعه را موجب گشت که در زمان ما با دیگرگون سازی فرهنگی و اندیشه کارانه همراه بوده است. با رژیم انباشت انعطاف‌پذیر، یک جریان انعطاف‌پذیری در فرایندکار، تولیدات، بازارکار و الگوهای مصرف به وجود آمد، در واقع انباشت انعطاف‌پذیر سرمایه و پست مدرنیسم به شدت در هم آمیخت (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

در این نظریه از معمار مدرن و کاربری‌های بی روح آن همچون تبدیل شهرها به قوطی کبریت بی روح و بدون ارتباط با محیط، وجود برج‌های اداری، فروشگاه‌های بزرگ و غول آسا و بناهای پرهیبت انسان ستیز و نبود مدنیت انتقال شد و بجای آن ترکیبی از عناصر جدید و سنتی با مفاهیم هنر بومی و متعالی در ساخت و ساز شهرها پیشنهاد کردند (زیاری، ۱۳۸۱: ۱۶).

در داخل شهرها معماری، برنامه ریزی و توسعه تأکید بر مقیاسهای بزرگ، خردگرایی تکنولوژیک، کارکرد کارآمد و سبک التقاطی را در پیش کشید (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

برنامه ریزان شهری نخستین کسانی بودند که مکتب مدرنیسم را مورد انتقاد قرار دادند آنان در رویارویی با چارچوب نظری مدرنیسم (مسکن، کار، رقت و آمد و اوقات فراغت) مطالعات شهری را مطرح و شهرها را در قالب مفاهیمی چون خوشه‌های شهری مطالعه کردند (زیاری، ۱۳۸۳: ۴۴).

بدین ترتیب در دهه ۱۹۶۰ نقد عقل‌گرایی، کارکردگرایی، بناهای هم شکل و انبوه، اندام وارگی بافت شهری و وداع با برنامه ریزی به مفهوم متداول آن رواج یافت. در عوض تبدیل کثرت‌گرایی، تنوع‌طلبی، رد نظریه‌های فراگیر و تکیه بر واقعیت بی نظیر اوج یافت. محصول این رویکرد پست مدرنیستی طراحی مشارکتی، توجه به علوم اجتماعی، استفاده از نمادهای تاریخی و احیای بناهای تاریخی در برنامه ریزی شهری بود (شعاعی، ۱۳۹۰: ۷۱).

تمام سنت‌ها به نوعی اعتبار دارند بخشی از این پدیده حاصل همان چیزی است که به آن انفجار اطلاعاتی می‌گویند دوره دانش سازمان یافته، ارتباطات جهانی و سایبرنتیک.

از این امکانات تنها ثروتمندان سود نمی‌جویند بلکه تقریباً هر انسان شهرنشین به مسافری آزاد و گزینش‌گر در جاده زمان و برخوردار از انبوه فراوانی انتخاب تبدیل می‌شود (جنکس، ۱۳۷۵: ۹).

"شاید سخن پسامدرن گونه‌ای "نقد فرهنگ" است به گسترده‌ترین معنایی که تاکنون از نقد شناخته‌ایم" (احمدی، ۱۳۷۳: ۲۶۰).

"در سال ۱۹۸۸ ن. تامس، پست مدرنیسم را تخریب تمایز بین فرهنگ متعالی و فرهنگ توده پسند می‌شمارد" (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۳۷ و ۱۳۸).

"اگر بخواهیم در محدوده فرهنگ و ازگان‌های باقی‌مانده باید بگوییم که پسامدرن "خودآگاهی مدرنیته" است، فهم مدرنیته است به اضافه بحرانه‌ها، محدودیتها، کاستی‌ها و ناکامی‌هایش" (احمدی، ۱۳۷۳: ۵۰۴).

"پست مدرنیسم در چهار قلمرو به مدرنیسم انتقاد دارد:

- ۱- مخالفت با عقلانیت روشنگری و فراروایت‌ها
  - ۲- انتقاد از بنیادگرایی و مفاهیم صوری از (حقیقت) در فلسفه
  - ۳- مخالفت با مدرنیسم در هنر و معماری
  - ۴- لزوم ارزیابی مجدد روابط سنتی نسبت به شرایط فرهنگی، اجتماعی-سیاسی و اقتصادی" (شکویی، ۱۳۸۱: ۶۴).
- در کل تفاوت‌های بین مدرنیسم و پست مدرنیسم به این شرح است.

مدرنیسم	پست مدرنیسم
* رمانتیک‌گرایی/نمادگرایی	وراءمادی/دادالیزم
* هدف	منعطف
* طراحی	تصادف
* سلسله مراتب	هرج و مرج
* فاصله	مشارکت
* تمرکز	پراکندگی
* رابطه ای	حذف روابط
* استعاره	کتابچه (درمعنی)
* خوانندگی	نوشتنی
* مدلول	دال
* قالب بندی کلی	گوش فردی
** برنامه ریزی عمودی	برنامه ریزی افقی
** تولیدانبوه	تولیدانعطاف پذیر

\* منبع: بحرینی، ۱۳۷۸: ۹۱

\*\* davidn .Bj2000

### جغرافیا، شهر، مدرنیسم و پست مدرنیسم

بیشتر پیشرفتهای علمی جغرافیا بعد از رنسانس و در دوره مدرنیسم اتفاق افتاده است به طوری که در علم جغرافیا، این جریان استعمار

و... می توان دید و بالاخره شهری است که قابل تقلیل به یک اصل واحد نیست (نوذری ۱۳۸۰: ۳۰۹ و ۴۰۰).

چنانچه در تحقیقی که رونالد جانستون جغرافیدان معروف انگلیسی بر روی چند شهر مدرنیستی (شیکاگو و نیویورک) و پست مدرنیستی (لس آنجلس و میامی) انجام داده گفته فوق را به شرح زیر تأیید نمی نماید "شهرهای پست مدرن بیش از شهرهای مدرن، قطعه قطعه شده و نامتجانس هستند" (Johnston, 2000: 161).

"با توجه به آنچه که گفته شد پست مدرنیسم، بیش از هر چیز به افتراق مکانی می اندیشد و با نفی یکسان نگری به پدیده مکانی، بازگشت به پارادایم افتراق مکانی "ریچارد هارتون" را اعلام می دارد" (شکویی، ۸۱-۱۳۸: ۷۲).

پست مدرنیسم با جهانی شدن مقارن شده است و "جهانی شدن با شهرگرایی و کلان شهرگرایی پیوندی نزدیک دارد. در اینجا، شهرهای جهانی علت و معلول جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ اند و از طریق شهرهای جهانی، تقسیم کار جهانی صورت می گیرد پس در جهت حاکمیت اقتصاد و فرهنگ غرب، لازم است همه کشورها به سرعت به سوی کلان شهرگرایی حرکت کنند. این جریان که در سه دهه گذشته اتفاق افتاده هم اکنون نیز در حال مداومت می باشد. نمودهای اقتصادی و فرهنگی پست مدرن را می توان در همه کلان شهرها و مادر شهرهای کشورهای در حال توسعه به روشنی مشاهده کرد" (شکویی، ۸۱-۱۳۸: ۷۲).

از دیگر حوزه هایی که پست مدرنیسم بر آن تأثیر گذاشته حوزه توسعه پایدار به تبع آن توسعه پایدار شهری است در خصوص واژه توسعه پایدار باید گفت که اغلب تصور از توسعه پایدار این است که توسعه پایدار به منزله توسعه ای است که تداوم داشته باشد در حالی که در بیشتر تعاریف توسعه، توسعه را فرایندی که آغاز دارد ولی پایان قابل تصویری ندارد تعریف کرده اند لذا منظور از پایداری توسعه این است که توسعه زمانی پایدار است که به محیط زیست آسیبی نرساند اما "ملاحظه می شود که قلمرو پارادایم توسعه پایدار، تنها به حفاظت از محیط زیست طبیعی و یا حیات وحش محدود نمی شود، بلکه مفاهیمی نظیر شهر، روستا، انرژی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مشارکت مردم در تصمیم گیریها و برنامه ریزیها را نیز شامل می گردد. در واقع، همه زوایای زندگی انسان امروزی و نسل آینده را در بر می گیرد" (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۶۸).

"نظریه توسعه پایدار شهری موضوع های جلگوری از آلودگیهای محیط شهری و ناحیه ای، کاهش ظرفیت تولید محلی ناحیه ای و ملی، حمایت از باز یافته ها، عدم حمایت از توسعه های زبان آور و از بین بردن شکاف فقیر و غنی را مطرح می کند همچنین راه رسیدن به این اهداف را با برنامه ریزی شهری، روستایی، ناحیه ای و ملی که برابر با قانون، کنترل کاربرها و کنترل بیشتر در شهر و روستاست می داند این نظریه به مثابه دیدگاه راهبردی، به نقش دولت در این برنامه ریزیها اهمیت بسیاری می دهد و معتقد است دولتها باید از محیط زیست شهری حمایت همه جانبه ای کنند. این نظریه پایداری شکل شهر، الگوی پایدار سکونتگاهها، الگوی مؤثر حمل و نقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله مراتب ناحیه شهری بررسی می کند زیرا ایجاد شهر را فقط برای لذت

و دیدگاه صرفاً کالبدی به شهر تجدیدنظر کردند از این رو بحث این بود که تغییر محیط فیزیکی، تأثیری اندک بر ارزشها و الگوهای رفتاری ساکنانشان گذارده است، بزرگراههای شهری و طرحهای نوسازی اینطور ارزیابی شدند که به بهای آسیب دیدن ساکنان کم درآمدتر مناطق مرکزی شهرها، در خدمت سفرهای داخل شهری طبقه متوسط اند طبقات کم درآمد علاوه بر دیگر مسائل از بی خانمانی و ناسامانی اجتماعی، رنج می برند، خانه های مسکونی بلندمرتبه برای گروههای کم درآمد به دلیل هزینه ها و مشکلات اجتماعی به کنار نهاده شد و این بحث مطرح شد که با ساختنهای کم ارتفاع هم رسیدن به تراکم زیاد امکان پذیر است. منتقدان تصاویر آرمان شهری واحدهای مسکونی بلندمرتبه را در پارکها به مثابه برنامه های تدوین شده توسط مقامی پدرسالارانه می دانستند که هر چند امیدهایی به ارتقاء استانداردها به دست می داد، اما این خطر را هم به دنبال داشت که مردم را بدون توجه به انتخاب خودشان در این واحد مسکونی به دام بیندازند" (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۲۸۴).

مدرنیستها به شهر در قالب کلیت آن می نگریستند و یک نوع حالت جزمیت و پارادایم فضایی را در ذهن تداعی می کردند در حالی که پست مدرنیستها به جزئیات شهر می اندیشیدند و یک نوع حالت پلورالیستی (تکثرگرایی) نسبت به شهر دارند.

"از نظر ادوارد سو جاسه اصل کلی در برنامه ریزی پست مدرن مدنظر است: الف) قبول دیدگاه معرفتی باز و انعطاف پذیر به جای جستجوی راهی واحد و کامل ب) تأکید بر شناخت و واقعیات اجتماعی از جمله تکثر، جدایی ها، قضاوت و... ج) بازنگری در سیاستهای محیطی، مکان یابی، کاربری اراضی و..." (اسدی، ۱۳۸۲: ۱۸۳)

پست مدرنیستها روی منطقه بندی مختلط بنا به دلایل زیر تأکید می کردند:

- ۱- ایجاد تعادل بین کاربریهای مسکونی و کاربریهای اشتغال زا
- ۲- سهولت در تأمین نیازهای اساسی زندگی شهری
- ۳- تأمین امنیت به واسطه امکان نظارت های غیر رسمی
- ۴- تقویت ارتباطات اجتماعی از طریق تعادل کاربریهای مسکونی و تجاری در سطح محله
- ۵- صرف زمان کمتر برای خرید و داشتن وقت آزاد بیشتر
- ۶- بالا بودن امکان گزینش و بالا بودن انتخاب نوع کالا
- ۷- افزایش تنوع بر اثر عدم تمرکز و توزیع خدمات شهری" (رضوانی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

اگر بخواهیم نمونه ای از یک شهر پست مدرنیستی را معرفی نماییم می توان به لس آنجلس اشاره کرد.

"لس آنجلس غالباً به عنوان شهری پست مدرن معرفی شده است این شهر فاقد بخش مرکزی است دارای منطقه پایین شهری است که به تعبیر رینر بنهام از مدتها پیش رویه فروپاشی و تلاشی شدن گذارد. تا آنجا که چشم کار می کند عدم تناسب به هم ریختگی و ازدحام، شهر جنبش و حرکت است چیزی که تجسم و سمبل کامل آنرا در سیستم بزرگراهها و آزادراههای عظیم متوازی و متقاطع، پلها و شبکه های ارتباطی اتوبان رو



شهرنشینان می‌داند\* (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۸).

پست مدرنیسم در حوزه‌های دیگری مثل بهسازی و نوسازی شهری تأثیر داشته بطوری که "فرانوگرایی (پست مدرنیسم) در عرصه شهرسازی و فرایند بهسازی و نوسازی شهر بیشتر به روابط اجتماعی در شهر می‌انديشد. از جمله طرفداران این ایده در عرصه شهرسازی (نیمه دوم قرن بیستم) "جین جیکوب" بود آنها مشکل شهرهای مدرن را در کاهش روابط انسانی و تنزل کیفی رابطه انسان و محیط می‌دانستند. از نظر آنها محیط زندگی انسان که از مفاهیم گوناگون (فیزیکی، اجتماعی و...) تشکیل یافته، فرضیه‌ای است برای تسهیل روابط متقابل بین افراد و این روابط نوع اشکال ارتباط از جمله صحبت کردن، نگاه کردن، حرکات دسته جمعی، خرید، اوقات فراغت و... است. همه این روابط در مکان و فضا اتفاق می‌افتد. به همین علت، در نگرش شهرسازان نیمه دوم قرن بیستم به بعد، توجه به خیابان به عنوان یک فضای شهری عمومی اهمیت یافت، در نتیجه به رابطه انسان با انسان در فضا، انسان با محیط و تأثیر آنها بر هم توجهی خاص شده است (شعاعی، پوراحمد، ۱۳۸۴: ۱۸۷).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پایان شاید این سؤال مطرح شود که چگونه کشورهایی که کاملاً مدرن نشده‌اند و به اصطلاح هنوز در دوران مدرنیته کامل نیستند می‌توانند پست مدرنیسم را که فراتر از مدرنیسم است تجربه کنند در پاسخ بعضی چنین می‌گویند:

۱- پست مدرنیسم متعلق به مکان خاصی نیست بلکه همه مرزهای جغرافیایی را طی می‌کند.

۲- باید توجه داشت که پست مدرنیسم مرحله جدیدی نیست بلکه ادامه و تداوم مدرنیسم است.

۳- پست مدرنیسم در هر کشوری با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی متفاوت شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد\* (ولی زاده، ۱۳۸۲: ۱۱).

۴- ما باید جهانی فکر کنیم و منطقه‌ای عمل نکنیم.

۵- الگوی مدرنیسم الگوهای جهانی نیستند بلکه الگوهای منطقه‌ای - محلی می‌باشند و در هر منطقه و ناحیه خاص جغرافیایی متناسب با عوامل انسانی و فرهنگی آن ناحیه صورت بندی می‌شوند. براین اساس غیرمنطقی است که منتظر ظهور شکل خاص مدرنیسم فرانسوی در پاکستان باشیم مدرنیسم پدیده‌ای جهانی اما ظهور و عینیتش منطقه‌ای است (جمالی و حیدری، ۱۳۸۰: ۸۹).

در این میان عده‌ای معتقدند حتی عمر دوران پست مدرنیسم هم به پایان رسیده و یا خواهد رسید. پس باید به پست مدرنیسم معتقد شد "عصر نوگرایی معتقد به "یک راه، یک حقیقت، یک شهر بود" مرده است عصر فرانوگرایی که به ایده "هر چیزی قابل قبول است" اعتقاد دارند دیگر در حال خروج از صحنه است فرد می‌تواند بشر را به دور دستها برساند اما محدودیت‌هایی دارد. باید "فراتر از فرانوگرایی" را پذیرفت و امیدوار بود که نام بهتری برای آن یافت شود\* (ترنر، ۱۳۷۶: ۲۶).

### منابع و مآخذ

- ۱- احمدی، بابک - مدرنیته و اندیشه انتقادی - تهران، نشر مرکز ۱۳۷۳.
- ۲- اسدی، ابرج - پیچیدگی مسائل در برنامه ریزی شهری و رویکردهای مواجهه با آن - فصلنامه مدیریت شهری شماره ۱۴، ۱۳۸۲.
- ۳- بحرینی، سید حسین - تجدد، فراتر دوپس از آن در شهرسازی - انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۴- ترنر، تام - شهر همچون چشم انداز - ترجمه فرشاد نوربان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۶.
- ۵- جنکس، چارلز - پست مدرنیسم چیست؟ - ترجمه فرهاد مرتضایی، نشر مرتدیر، ۱۳۷۶.
- ۶- جمالی، فیروز و حیدری، رحیم - شهرسازی پست مدرن - نشر به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۸ و ۱۸۱، ۱۳۸۰.
- ۷- رضوانی، سعید - حوزه بندی، ابزار امانع - فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، ۱۳۸۰.
- ۸- زیاری، کرامت‌اله - برنامه ریزی شهرهای جدید - انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- ۹- زیاری، کرامت‌اله - مکتبها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه ریزی منطقه‌ای - انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۸۳.
- ۱۰- زیاری کرامت‌اله - برنامه ریزی کاربردی اراضی شهری - انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۸۱.
- ۱۱- شکویی، حسین - اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا - انتشارات گیتاشناسی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- ۱۲- شکویی، حسین - جغرافیا و پست مدرنیسم - مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۳ و ۶۴، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱.
- ۱۳- شکویی، حسین - فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی - انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۸۲.
- ۱۴- شقیعی، حسن - پست مدرنیسم در شهرسازی - فصلنامه مدیریت شهری - سال اول شماره اول، بهار ۱۳۷۹.
- ۱۵- شعاعی، علی و پوراحمد، احمد - بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا - انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۶- مدنی پور، علی - طراحی فضاهای شهری (نگرشی بر فرایند اجتماعی - مکانی) ترجمه فرهاد مرتضایی انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۹.
- ۱۷- نوذری، حسینعلی - مدرنیته و مدرنیسم - انتشارات نقش جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۸- نوذری، حسینعلی - پست مدرنیته و پست مدرنیسم - انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۰.
- ۱۹- ولی زاده، حمید - پیش درآمدی بر رویکرد پست مدرن در برنامه ریزی شهری - روزنامه عصر آزادی، سال هشتم شماره ۷۷، چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۸۲.

20 - davidm.B.g.Leonel-what is postmodern-april2000-http://www.Chac Nmsu.Edu.

21 - Johnston.R-From modern to post modern?2002 www. Elsevier . Com/Locate/cities.